«فَطَرَ أَجْنَاسَ البَدَائِعِ» در دعای عرفه

روایتی هم که یادداشت کرده بودیم، یکی از دعای عرفه بود [که دارد:] «فَطَرَ أَجْنَاسَ البَدَائِعِ»[1]. این دعای عظیم الشأنی که حضرت علیه السلام، در روز عرفه خواندند. یکی از فقراتی است که در طلیعه‌ی دعا است.

> **«الحَمْدُ للهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الجَوَادُ الوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ البَدَائِعِ وَأَتْقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ»**

از ابتدای دعا خیلی فاصله ندارد تا به این جمله می‌رسد: «فَطَرَ أَجْنَاسَ البَدَائِعِ وَأَتْقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ»؛ ببینید می‌فرماید: اجناس را آفریده است. «بدایع»؛ یعنی اشیاء خارجی‌ای که بدیع هستند؟؛ اجناس هم یعنی انواع آن‌ها؟ یا نه، خود «فطر»، به همان مرتبه‌ی جنسیت‌شان می‌خورد؟ به کلیت‌شان می‌خورد؟ «بدایع» هم صفت خود این‌ها می‌شود؛ از باب اضافه‌ی موصوف به صفت. یعنی الاجناس البدیعة. این هم احتمال خوبی است. جنسی است که خودش بدع است. یعنی، هیچ الگوی قبلی ندارد. نوع است. بل سابقه است. بدیع، یعنی آنچه که هیچ سابقه‌ی قبلی ندارد. هر چیزی که قبلاً سابقه دارد، بدع نیست.

---

[1]. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ج۱، ص ۳۴۵.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 سپتامبر 2024 11:35:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2025 14:55:04 توسط ... .